

نقش احزاب سیاسی در تغییر اجتماعی از منظر قرآن کریم



محمدعلی احمدی

چکیده

در عصر حاضر، احزاب سیاسی به عنوان نهادهای ضروری در زندگی اجتماعی جوامع بشری شناخته می‌شوند و نقش مهمی در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی کشورها ایفا می‌کنند. قرآن کریم، به‌طور متعدد به مفهوم احزاب و گروه‌های هم‌عقیده و مخالف اشاره شده است؛ به‌ویژه در زمینه‌های «حزب‌الله» و «حزب شیطان» که نمایان‌گر مواضع متفاوت در جامعه هستند. این تحقیق با استفاده از روش استنطاقی به بررسی نقش احزاب سیاسی در تغییر اجتماعی از منظر قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که احزاب سیاسی قانونی با کارکردهای اجتماعی و سیاسی خود، تأثیر به‌سزایی در تغییر و تحول اجتماعی دارند. این تغییرات ابتدا در سطح فردی و سپس در ابعاد اجتماعی بروز می‌یابند. احزاب با ترویج مشارکت سیاسی، تعامل بین دولت و ملت، ایجاد هم‌بستگی ملی، می‌توانند به کاهش تعارضات قومی، قبیله‌وی، بهبود وضعیت اجتماعی، سیاسی و اصلاح جامعه نقش ایفا نمایند.

واژه‌گان کلیدی: قرآن، احزاب، تغییر، تحول، اجتماع، مشارکت سیاسی، هم‌بستگی.

غالب (فصل‌نامه بین‌المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین‌الملل) دوره و سال چهاردهم نشراتی، پیاپی ۴۸، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

^۱ دانش‌آموخته دکتری قرآن و سیاست، گروه قرآن و علوم انسانی، مجتمع قرآن و حدیث، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران (ahmadi315@yahoo.com)

(ahmadi_313@miu.ac.ir)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 16/ 10/ 2024

Accepted: 25/ 01/ 2025

Published: 22/ 03/ 2025

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.1>

PP: 1 - 22

The Role of Political Parties in Social Change from the Perspective of the Holy Quran

Mohammad Ali Ahmadi¹

Abstract

In the contemporary era, political parties are recognized as essential institutions in the social fabric of human societies, playing a pivotal role in the decision-making and executive processes of nations. The Holy Quran frequently references the concept of parties and groups with shared or opposing views, particularly in the contexts of "Hezbollah" (the Party of Allah) and "the Party of Satan," which symbolize divergent positions within society. Employing the interrogative method, this research examines the role of political parties in driving social change from the perspective of the Holy Quran. The findings demonstrate that legitimate political parties, through their social and political functions, have a profound influence on social change and transformation. These changes initially manifest at the individual level and subsequently extend to broader social dimensions. By fostering political participation, enhancing interaction between the state and the nation, and promoting national solidarity, political parties can reduce ethnic and tribal conflicts, improve social and political conditions, and contribute to societal reform.

Keywords: Quran, political parties, change, transformation, society, political participation, national solidarity.

¹ . PhD in Quran and Politics, Quran and Humanities Department, Quran and Hadith Society, Al-Mustafa University, Qom, Iran (ahmadi315@yahoo.com- ahmadi_313@miu.ac.ir)



۱. مقدمه

در عصر حاضر، احزاب سیاسی به عنوان نهادهای کلیدی در ساختار اجتماعی و سیاسی جوامع بشری شناخته می‌شوند. این احزاب نه تنها در فرایند تصمیم‌گیری و اجرایی کشورها نقش مهمی ایفا می‌کنند، بل که به عنوان واسطه‌یی میان مردم و حاکمیت عمل می‌نمایند؛ با این حال، تحزب می‌تواند هم به افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی منجر شود، هم به تفرقه و گسست در وحدت ملی دامن بزند. با توجه به نقش دوگانه احزاب در جامعه، بررسی تأثیرات آن‌ها بر تغییرات اجتماعی و سیاسی از منظر قرآن کریم، ضرورت دارد. چون این تحقیق می‌تواند به درک به‌تر از چه‌گونه‌گی تأثیرگذاری احزاب بر انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی کمک کند و راه‌کارهایی عملی بر مبنای آموزه‌های قرآنی برای بهبود عمل کرد احزاب ارائه دهد.

هرچند تحقیقات مختلفی در زمینه احزاب سیاسی و نقش آن در جامعه انجام شده است، اما بیش‌تر آن‌ها به بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی احزاب از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند؛ بدین جهت، نیاز به تحلیلی عمیق‌تر از منظر قرآن کریم ضرورت دارد، که این تحقیق از این نگاه، تحقیقی تازه به شمار می‌رود.

هدف این پژوهش تحلیل نقش احزاب سیاسی در تغییر اجتماعی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم و بررسی این که چه‌گونه احزاب می‌توانند در راستای انسجام یا تفرقه اجتماعی عمل کنند، می‌باشد. با این پرسش اصلی که نقش احزاب سیاسی در تغییرات اجتماعی از منظر قرآن کریم چیست و چه‌گونه می‌توان از این آموزه‌ها برای بهبود عمل کرد احزاب در جامعه بهره‌برداری کرد؟ تحقیق حاضر با روش استنتاجی و با استفاده از منابع اصلی آیات قرآن کریم به صورت کیفی انجام می‌شود؛ با تحلیل متون و بررسی مستندات مرتبط با احزاب سیاسی، در محدوده جوامع اسلامی و تأثیر آن‌ها بر تغییر اجتماعی را مورد پردازش قرار می‌دهد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که احزاب سیاسی در صورتی که در چهارچوب قانونی و با هدف مشخص عمل کنند، می‌توانند تغییرات مثبت و مؤثری در جامعه ایجاد کنند؛ با این حال، در صورت انحراف از این چهارچوب، ممکن است به گسست اجتماعی و تفرقه منجر شوند. در نتیجه این مقاله بر اهمیت نهادینه‌شدن احزاب سیاسی قانونی و ایجاد بستری مناسب برای مشارکت سیاسی تأکید دارد.

۲. مفاهیم

۲-۱. حزب در لغت

در فرهنگ و ادبیات اسلامی، واژه «حزب» به معنای گروه، اجتماع و یاران هم‌فکر تعریف شده است. خلیل فراهیدی در کتاب العین بیان می‌کند که حزب به معنای گرد هم آمدن افراد هم‌فکر با آرمان‌های مشترک است: «و تحزب القوم: تجمّعوا؛ وحزبتُ أحرابا: جمعتهُم؛ والحزب: أصحاب الرجل علی رأیه و أمره و المؤمنون حزب الله و الکافرون حزب الشیطان؛ و کل طائفة تكون أهواؤهم واحدة فهم حزب» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۶۴-۱۶۵). راغب اصفهانی نیز در توضیح این واژه اشاره می‌کند که حزب، گروهی است که در آن‌ها نوعی استواری و شدت وجود دارد: «الحزب: جماعة فیها غلظا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۱). ابن منظور در لسان‌العرب نیز در تعریف این واژه با توجه به آیات و برخی از روایات اشاره می‌کند که: حزب، یعنی اجتماع مردم هم‌فکر با آرمان‌های مشابه که دارای ایده و عمل‌کرد هم‌سان (هرچند در یک‌زمان نباشند) هستند؛ هم‌چنین به دشواری‌های رهبری و استحکام اعضای حزب نیز اشاره می‌کند: «الحزب: جماعة الناس، والجمع أحراب؛ والأحزاب: جنود الکفار، تألبوا وتظاهروا علی حزب النبی^(ص)...؛ وحزب الرجل: أصحابه و جنده الذین علی رأیه...؛ و فی حدیث ابن الزبیر: یرید أن یحرزّ بهم آی یفویهم و یشدّ منهم و یجعلهم من حزبه، أو یجعلهم أحراباً...» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱/ ۳۰۹-۳۱۰). مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن در جمع‌بندی نظرات لغویان ذیل ریشه «حزب» به این نکته می‌پردازد که مفهوم اصلی «حزب» به معنای تجمع براساس یک هدف و رأی مشترک است: «الأصل الواحد فیها هو التجمّع إذا کان علی رأی واحد و هدف واحد» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/ ۲۰۷-۲۰۸). او توضیح می‌دهد که واژه «حزب» به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که در برابر مشکلات، سرسختی و مقاومت از خود نشان می‌دهند.

بنابراین، می‌توان گفت حزب به گروهی اطلاق می‌شود که به سبب داشتن ایده و آرمان مشترک، تحت رهبری واحد گرد هم آمده و برای تحقق اهداف خود با استواری و هم‌دلی در جامعه عمل می‌کنند و در برابر انواع مشکلات، سرسختی و مقاومت از خود نشان می‌دهند.

۲-۲. حزب در اصطلاح علوم سیاسی

حزب در علوم سیاسی به گروهی سازمان‌یافته از افراد با دیدگاه‌های مشترک اطلاق می‌شود، که هدف آن‌ها نیز دستیابی به قدرت سیاسی از طریق قانونی است. در تعریف حزب سیاسی بین‌اندیشه‌مندان علوم سیاسی در سازمانی و قانونی بودن آن نیز اتفاق نظر وجود دارد؛ اولین بار ادmond برک به تحولات رنسانس و حاکمیت مردم در زمینه احزاب اشاره کرده است (پیشه‌وری، ۱۳۷۶: ۷۲).

دیوید رابرتسون می‌گوید: «حزب گروهی سازمان‌یافته از کسانی است که دیدگاهی مشترک دارند و درصدد دستیابی به قدرت سیاسی هستند» (رابرتسون، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

گتل^۱ و مک‌آیور نیز به جنبه‌های سازمان‌یافته و قانونی حزب اشاره دارند. گتل حزب را گروهی از شهروندان سازمان‌یافته می‌داند که می‌کوشند با استفاده از حق رأی خود بر حکومت تسلط پیدا کنند (عالم، ۱۳۸۷: ۳۳۴)؛ همچنین مک‌آیور^۲ آن را گردهم‌آیی برای حمایت از اصول خاصی که به دنبال کسب قدرت از طریق قانونی هستند، تعریف می‌کند (همان‌جا). جیوانی ساتوری^۳، در تعریف حزب می‌گوید: «حزب گروه سیاسی است که با عنوان رسمی شناخته می‌شود و موقع انتخابات می‌تواند کاندیدای خود را برای پُست‌های دولتی منتخب کند» (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۲).

لاپالومبارا^۴ و واینر^۵، چهار شرط اساسی برای حزب را مطرح می‌کنند: وجود سازمان پایدار، تشکیلات ملّی با روابط منظم، اراده رهبران برای کسب قدرت، و حمایت عمومی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۴). در مجموع، حزب سیاسی را می‌توان به‌عنوان گروهی هم‌عقیده با اهداف مشترک و دارای مرام‌نامه و تشکیلات منظم تعریف کرد، که برای کسب قدرت سیاسی از راه‌های قانونی سرسختانه تلاش می‌کند.

۲-۳. حزب در اصطلاح قرآنی

واژه «حزب» در قرآن کریم نیز به صورت‌های مختلف، مفرد، تثنیه و جمع آمده‌است، که به معنای گروهی از مردم با عقاید مشترک به‌کار رفته و در آیات و سوره‌های متعددی از جمله «مائد: ۵۶، مؤمنون: ۵۳، روم: ۳۲، فاطر: ۶، مجادله: ۱۹ و ۲۲، کهف: ۱۲، هود: ۱۷، رعد: ۳۶، مریم: ۳۷، احزاب: ۲۰، احزاب: ۲۲، ص: ۱۱، ص: ۱۳، غافر: ۵ و ۳۰، زخرف: ۶۵ و دیگر سوره‌ها مشاهده می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۳۷ سوره مریم «أَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» احزاب را به‌عنوان گروه‌هایی با نظرات متفاوت درباره عیسی^(ع) معرفی می‌کند که هر طایفه‌ی درباره‌اش نظریه‌ی بدهد، برخلاف نظریه دیگران (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/۶۴).

فخر رازی در تفسیر «حزب‌الله» به معنای پیروان خدا و مطیعان او اشاره دارد، واحدی نیز آن را به‌عنوان شیعه و مطیع خدا معرفی می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۷؛ واحدی، ۱۴۱۱ ق: ۱/۲۰۲).

1. Gettel

2. Maciver

3. Satori

4. Lapalon bars

5. Weiner

محمدجواد مغنیه در *التفسیر الکاشف*، در تفسیر آیه ۳۶ سوره رعد، احزاب را به پیروان ادیان مختلف تعبیر می کند که بخشی از قرآن را قبول و بخشی را انکار می کنند (مغنیه، ۱۴۲۴ ق. ۴/ ۴۱۳). بدین لحاظ، قرآن از فرقه های مذهبی بی که در یک شریعت ایجاد می شود نیز به عنوان حزب و احزاب یاد نموده است (زخرف: ۶۵). البته گاه حزب به معنای گروهی از مردم اطلاق شده که از نظر عقیده با گروه دیگر در تضاد هستند. این گروه های حزبی در میان یک جامعه و گاه در میان یک امت ایجاد می شوند؛ از این رو، به دو حزب کافر و مسلمان، یا حزب الله و حزب شیطان در قرآن تعبیر شده است، که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، نیز احزاب مختلفی وجود داشتند (رعد، ۳۶)، که در جنگ خندق علیه مسلمانان متحد شدند (احزاب: ۲۰ و ۲۲)؛ به طور کلی، احزاب به عنوان گروه های اجتماعی، اعتقادی با اختلافات و تضادها شکل می گیرند و می توان حزب را به عنوان گروهی منسجم از انسان ها با تشکیلات سیاسی و اهداف مشترک تعریف کرد، که درصدد دستیابی به قدرت و اعمال سیاست های خود در جامعه از طریق راه کار قانونی هستند.

۳. ویژه گی های احزاب سیاسی

حزب به عنوان یک نهاد اجتماعی و سیاسی، از منظر قرآن به دو دسته اصلی تقسیم می شود: حزب الله و حزب شیطان. ویژه گی های حزب الله شامل ایمان، ولایت مداری، شایسته گی (مجادله: ۲۲)، نماز، زکات و محبت به خداوند است: «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده: ۵۴). در مقابل، حزب شیطان به نافرمانی از خدا و اعمال ناشایست شناخته می شود. اعضای حزب الله از انسجام و هم بسته گی قوی برخوردارند و مراقب یک دیگر هستند تا از آسیب های خارجی در امان بمانند. خداوند جل جلاله در آیه ۲۹ سوره فتح به ویژه گی های پیروان پیامبر خاتم (ص) اشاره می کند: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ/ محمد (ص)، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یک دیگر مهربانند»؛ هم چنین مخالفان نیز در بین خود وحدت دارند: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ/ و هر گروه دیگری که به او کافر شود، جای گاهش در آتش است» (هود: ۱۷). در مفهوم معاصر، حزب در جوامع بشری، به ویژه در دموکراسی ها، دارای برخی از ویژه گی ها به شرح زیر است:

- رقابت برای قدرت و کنترل حکومت؛
- سازمان دهی توده ها در قالب تشکیلات سیاسی؛
- داشتن اهداف، آرمان های سیاسی و تلاش برای جلب حمایت عمومی (نجیب زاده، ۱۳۷۸: ۱۳)؛
- وجود مرام نامه و اصول مشترک؛
- برخورداری از حمایت مردمی (آقا بخشی، ۱۳۷۴: ۴۴۲-۴۵۲)؛

- انسجام و هم‌بسته‌گی قوی میان اعضای حزب.

درحالی که حزب در غرب به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت شناخته می‌شود، در مبانی اسلامی، قدرت هدف نهایی نیست، بل که ابزاری برای تحقق کمال و سعادت بشر است؛ ازاین‌رو، برخی‌ها ضرورت حزب را از باب مقدمه واجب دانسته‌اند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی واجب است و احزاب مقدمه‌یی برای اجرای آن می‌باشند. مقدمه واجب هم واجب است. نتیجه این وجود تشکیل احزاب در جامعه اسلامی می‌باشد (منتظری، ۱۳۷۳: ۲/ ۲۶۷)، که امروزه یک امر ضروری و پذیرفته‌شده است.

۴. تغییر و تحول اجتماعی در قرآن کریم

بحث از نقش احزاب در تحول و تغییر اجتماعی باید در چهارچوب انسان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا احزاب از اجتماع گروهی از انسان‌ها با اهداف و افکار مشترک در قالب یک تفاهم سازمانی تشکیل می‌شوند، تا در جامعه ایفای نقش نمایند؛ چون انسان به دلیل داشتن اراده و اختیار نسبی، قادر است در چهارچوب مشیت الهی انتخاب‌های خود را انجام دهد و مسؤول اعمال خویش باشد. این اراده، که منحصر به انسان و جن است (بقره: ۳۱ - ۳۲)، موجب می‌شود که انسان در دو مسیر سازنده و غیرسازنده حرکت کند. در قرآن کریم به آن‌ها به‌عنوان ایمان و کفر، شکر و کفران اشاره شده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا/ ما راه را به او نشان داده‌ایم. خواه سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس» (انسان: ۳) و «وَوَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ/ و ما راه خیر و شر را به او نشان دادیم» (بلد: ۱۰)؛ لذا براساس همین اراده و اختیار است که خداوند انسان را در برابر اعمال و افکارش مسؤول قرار می‌دهد. انسان در دنیا و آخرت باید کیفر اعمال خوب و بد اش را ببیند؛ چون وی آفریده شده است تا به‌عنوان خلیفه الهی در زمین عمل نماید؛ اما با همین اختیار و آزادی‌یی که دارد مجبور است در چهارچوب سنت و قوانین حاکم بر جهان رفتار کند؛ یعنی این که انسان باتوجه به مقام خلافت و اراده و اختیاری که دارد، می‌بایست به‌عنوان مظهر تمامی اسما و صفات الهی، در جای‌گاه مظهر پروردگاری قرار گیرد و در جهان متناسب با اهداف آفرینش هستی حرکت نماید و تغییراتی را در آن راستا ایجاد کند؛ اما از آن‌جایی که همه انسان‌ها در مسیر حق الهی قرار نمی‌گیرند و به مسؤولیت و مأموریت خود نمی‌پردازند، گاه این تغییرات برخلاف فلسفه و حکمت آفرینش هستی و آدمی هست و به‌جای این که متناسب و عادلانه باشد، گاهی فاسد و ستم‌گرانه می‌باشد؛ زیرا کسانی در مسیر درست حرکت می‌کنند و تغییرات مثبت را ایجاد می‌کند، که همه اسمای فطرت در ذات خود را با عبودیت و اطاعت از احکام عقل و وحی به کمال رسانده است، اما آنانی که به‌جای بهره‌مندی از عقل و وحی، به هواهای نفسانی خود و وسوسه‌های شیطانی عمل نماید فُجَّار و ستم‌کارند (شمس: ۷ - ۱۰)؛

به عنوان اولیای شیطان و پیروانش به تغییراتی دست می‌زنند، که مخالف مشیّت و حکمت الهی است: «وَأُضِلُّهُمْ وَآمَنُوا بِهِمْ وَأَلْمَنُوا لَهُمْ فَلَيْبَسَنَّهُمْ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَآمَنُوا بِهِمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا/ و البته گمراه‌شان می‌کنم و آرزوهای باطل در دل‌شان می‌افکنم و به آنان فرمان می‌دهم تا گوش‌های چهارپایان را بشکافند؛ و به آنان فرمان می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند؛ و هرکس که به جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند، زبانی آشکار کرده است» (نساء: ۱۱۹)؛ چون این‌گونه افراد در مسیر شیطان قدم برمی‌دارند و انسان‌های دیگر را نیز همانند شیطان دعوت و تشویق به همراهی خود می‌کنند: «كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ/ مانند شیطان هنگامی که گفت به انسان کافر شو، پس چون کافر شد، گفت همانا من بیزارم از تو همانا من می‌ترسم از خدا که پروردگار جهانیان است» (حشر: ۱۶). صاحب التفسیر الکاشف، در تفسیر این آیه می‌فرماید: «منافقان به بنی‌نضیر گفتند: با محمد (ص) بجنگید و ما در جنگ و در آواره‌گی شما را همراهی خواهیم کرد. زمانی که بلا بر آنان نازل شد، منافقان به لانه‌های خود خزیدند و اثری از آن‌ها دیده نشد. خداوند این وضعیت منافقان با بنی‌نضیر را به وضعیت شیطان با انسان گناه‌کار تشبیه کرده است، که او را از طریق فساد و گمراهی فریب می‌دهد» (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷/ ۳۹۳)؛ لذا می‌توان چنین بیان کرد که تغییراتی که انسان ایجاد می‌کند، نخست در خود و سپس در بیرون است؛ از این‌رو، در آموزه‌های قرآنی از انواع تغییرات سخن به میان آمده است، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تغییر در نفس، جامعه و جهان می‌باشد. مأموریت انسان‌ها در زمین این است که تغییرات مثبتی را در همه ماسوی الله ایجاد کنند؛ ولی زمانی می‌توانند این نقش ایفا و تغییرات مثبتی را ایجاد کنند، که خودشان مثبت شده باشند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ/ در حقیقت، خدا حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱)؛ بنابراین، می‌توان گفت نقش انسانی بسیار می‌تواند برای شناخت انسان، اهداف و روش‌های زنده‌گی اجتماعی مفید باشد؛ زیرا تغییری که انسان در نفس خود ایجاد می‌کند، به دو شکل مثبت و منفی، می‌تواند در تغییر اجتماع ظهور یابد.

۴-۱. تغییر فردی (نفسی) مثبت

تغییر فردی مثبت در اسلام به اراده و اختیار انسان وابسته است. خداوند (ع) به انسان‌ها این اختیار را داده تا سرنوشت خود را براساس الهامات فطری، عقل و وحی رقم بزنند. اگر انسان‌ها در این مسیر گام بردارند، می‌توانند به کمال دست یابند و به خلافت الهی که خداوند (ع) بر عهده آن‌ها گذاشته، دست یابند و عمل کنند. قرآن کریم در سوره نور می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ/ خدا به کسانی که ایمان آورده

و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد» (نور: ۵۵)؛ هم‌چنین در آیه ۳۰ سوره بقره بیان می‌کند: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً / هنگامی که پروردگارت به فرشته‌گان فرمود به یقین جانشینی در زمین قرار می‌دهم» (بقره: ۳۰). این آیات نشان‌دهنده مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها در راستای هدایت و رهبری جامعه به سمت سعادت و کمال است. تغییرات مثبت درونی و نفسانی از طریق تعلیم و تزکیه در قرآن به تصویر کشیده شده است. در آیه ۱۲۹ سوره بقره، خداوند به ارسال رسولانی اشاره می‌کند: «وَ أَوْعِثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ / پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌یی از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند» (بقره: ۱۲۹). این تغییرات در دو بُعد حکمت نظری و عملی نمود پیدا می‌کنند؛ از یک سو انسان‌ها از طریق عقل و وحی به شناخت حقایق هستی دست می‌یابند و از سوی دیگر، باید به آن دانسته‌ها عمل کنند و با عزم و اراده قوی، تغییرات لازم را در زنده‌گی خود ایجاد کنند؛ بنابراین، افراد مؤمن نه‌تنها در پی رشد و اصلاح فردی هستند، بل که به دنبال هدایت و تغییر مثبت در جامعه نیز می‌باشند. این فرایند به‌عنوان یک مسؤولیت الهی در راستای تحقق اهداف انسانی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. درنهایت، مسؤولیت انسان به‌عنوان خلیفه خداوند در زمین، شامل اداره امور فردی و هدایت جامعه به‌سوی اصلاح و تغییر مثبت است، که به‌وضوح در آیات قرآن و تعالیم انبیای الهی بیان شده است.

۴-۲. تغییر فردی (نفسی) منفی

تغییر فردی (نفسی) منفی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن انسان به‌جای پیروی از الهامات فطری، عقلانی و وحیانی، تحت تأثیر الهامات نفسانی و شیطانی قرار می‌گیرد. براساس تصریح آیات قرآن کریم، این نوع تغییر به کفر منجر می‌شود (انسان: ۳)، که سرانجامش ابتلا به عذاب سخت و دردناک است: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ / و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند» (بقره: ۳۹)؛ چون افرادی که در این مسیر گام برمی‌دارند، نه‌تنها خود را در مسیر انحراف قرار می‌دهند، بل که دیگران را نیز به سمت باطل و انحراف دعوت می‌کنند. این دعوت می‌تواند در سطح فردی یا اجتماعی باشد. این افراد به سبب پیروی از شیطان، به فراموشی خداوند دچار می‌شوند و به حزب شیطان تبدیل می‌شوند، که در آیه ۱۹ سوره مجادله آمده است: «اسْتَخْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ / شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آن‌ها برده؛ آنان حزب شیطان‌اند، بدانید حزب شیطان زیان‌کاران‌اند»؛ بنابراین، اگر این افراد در سطح اجتماع و جامعه

تسلط یابند، می‌توانند جامعه را به سمت طاغوت و گمراهی هدایت کنند؛ بدین ترتیب، به فساد و انحراف در جامعه دامن می‌زنند. درنهایت، این روند به تباهی و آسیب‌های جدی در ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی منجر می‌شود و پیامدهای آن به شدت زیان‌بار خواهد بود.

۴-۳. تغییر اجتماعی

نوع دیگری از تغییر که به واسطه انسان صورت می‌گیرد، تغییرات اجتماعی است و این تغییرات به‌طور مستقیم به تغییرات فردی بسته‌گی دارد؛ لذا تا تغییرات مثبت فردی صورت نگیرد، تغییرات مثبت اجتماعی در جامعه امکان‌پذیر نیست. بدین جهت می‌توان گفت زمانی این تغییرات اجتماعی مثبت می‌تواند تحقق یابد، که گروهی از افراد جامعه تغییرات فردی و انفسی را در خود ایجاد کرده باشند؛ زیرا تغییرات اجتماعی نیازمند هسته‌یی از افراد خودساخته علمی و عملی می‌باشد (رعد: ۱۱)؛ چون این خودساخته‌گی و اصلاح اجتماعی در واقع براساس آیات قرآن مقدمه برای اصلاح و تغییر در جامعه و جهان است. به این معنا که انسان می‌بایست پس از تغییر مثبت در خود و رشد در حوزه علم و عمل، به اصلاح اجتماع در سطح جامعه و جهان بپردازد و به مسؤولیت‌هایی اقدام کند، که در ارتباط با دیگران دارد، مانند توصیه به‌حق (عصر: ۳)، امر به معروف و نهی از منکر در حوزه عمل اجتماعی (آل عمران: ۱۰۴)، آبادسازی و عمران زمین (هود: ۶۱)، پرهیز از فساد و تباهی در آن (روم: ۴۱)؛ چون هر آن‌چه از جانب خداوند آمده‌اند حق بود و می‌باشد؛ اما بیش‌تر انسان‌ها حق را انکار می‌کنند: «بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ/ ولی او حق را برای آنان آورده؛ اما بیش‌تر شان از حق کراهت دارند» (مؤمنون: ۷۰). چون براساس جهان‌بینی الهی، حرکت هستی و به‌ویژه حرکت انسان در نظام هستی به‌سوی هدفی نهایی، هدف‌مند و غایت‌مدار است. قرآن کریم برای همه پدیده‌های عالم هستی، یک جهت، هدف‌گذاری و غایت واحد تعیین کرده، که حاکم بر تمام جهت‌گیری‌هاست: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ/ ما همه از خداییم و بازگشت همه ما به‌سوی اوست» (بقره: ۱۶۵)؛ بدین جهت، قرآن به انسان‌ها هُش‌دار می‌دهند که تغییرات در نظام هستی باید براساس مشیت و حکمت الهی باشد، نه براساس خواسته‌های نفسانی؛ در واقع، انسان به‌عنوان خلیفه الهی، مسؤولیت دارد که در جهان تغییرات مثبت ایجاد کند: «وَ لَأَضِلُّهُمْ وَ لَأَمْنِيَّتَهُمْ وَ لَأَمْرُهُمْ فَبِئْسَتْ كُنْ أَدَانِ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمْرُهُمْ فَبِئْسَتْ كُنْ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَ لِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا/ و البته گمراه‌شان می‌کنم و آرزوهای باطل در دل‌شان می‌افکنم و به آنان فرمان می‌دهم تا گوش‌های چهارپایان را بشکافند؛ و به آنان فرمان می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند؛ و هرکس که به‌جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند زبانی آشکار کرده است» (نساء: ۱۱۹). این بدان معناست که انسان‌ها از این توان برخوردارند، که در جهان خلقت نیز تصرف کنند و خلقت موجودات را

دگرگون نمایند. این تغییرات در خلقت جهان اگر در راستای مشیّت و حکمت الهی باشد، نه تنها نادرست نیست، بل که براساس مسؤولیت و مأموریت انسان به عنوان خلیفه الهی است؛ اما اگر تغییر در خلقت براساس خواست شیطانی، صورت بگیرد، فساد و تباهی در جامعه و جهان به وجود خواهد آمد؛ بنابراین، تغییر درونی و فردی انسان ها عامل مهم و اساسی برای هرگونه تغییر اجتماعی، بل که در جهان است؛ از این رو، اگر بخواهیم در جهان تصرف سازنده‌ی داشته باشیم و آن را به خدمت گیریم و مسخر خود گردانیم، می‌بایست خود را اصلاح کنیم تا بتوانیم بیرون، جامعه و جهان را اصلاح نماییم. در آیات قرآنی میزان و سطح تأثیرگذاری هر فرد بر جامعه و جهان به میزان خودسازی، تزکیه و تقوای او ارتباط داده شده است. هرچه میزان خودسازی الهی بیش تر باشد، به همان میزان سطح و میزان تأثیرگذاری فرد و گروه بر جامعه نیز افزایش می‌یابد. خداوند هم‌چنین تغییرات در جهان از جمله افزایش بارنده‌گی، برکات آسمانی و زمینی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی را بر پایه تغییرات در شخصیت ارزیابی و تحلیل کرده می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ / و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی آن‌ها تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمال شان مجازات کردیم» (اعراف: ۹۶)؛ هم‌چنین وجود فساد را عامل خشک‌سالی می‌داند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ، لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ / در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی‌یی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی آشکار شد تا خدا هم کیفر بعضی اعمال شان را به آن‌ها بچشاند، باشد که برگردند» (روم: ۴۱).

عَلَّامه طباطبائی در تبیین این دو آیه می‌فرماید: «در کتاب خدای تعالی دو آیه هست که مطلب را تمام کرده و به وجود این ارتباط تصریح نموده است، که حوادثی که در عالم حادث می‌شود تا حدی تابع اعمال مردم است، اگر نوع بشر بر طبق رضای خدا عمل کند و راه طاعت او را پیش گیرد، نزول خیرات و بازشدن درهای برکات را در پی دارند و اگر این نوع از راه عبودیت منحرف گشته، ضلالت و فساد را دنبال کنند و اعمال زشت مرتکب گردند، باید منتظر ظهور فساد در خشکی و دریا، هلاکت اُمّت‌ها، سلب امنیت، شیوع ظلم، بروز جنگ‌ها و سایر بدبختی‌ها باشند» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۷۱). این نشان‌گر حقیقت تأثیرپذیری، تغییر و تحول اجتماعی از تغییر و تحول نفسی و فردی در جامعه است، که اگر احزاب سیاسی متشکل از افراد صالح در جامعه وجود داشته باشند، می‌تواند جامعه را به سمت اصلاح و پیش‌رفت در جهت کمال انسانی و امنیت سیاسی، اجتماعی و توسعه پایدار هدایت کند.

۵. کارکردهای احزاب سیاسی

در نظام‌های سیاسی، احزاب نقش‌های خاصی ایفا می‌کنند که موجب مشارکت، ثبات سیاسی، امنیت و پایداری هر نظام سیاسی می‌شوند؛ بدین جهت، یک نگرش به کارکرد احزاب، نگرش سامان‌مند ساختاری- کارکردی می‌باشد، که این نگرش در دهه ۱۹۶۰ م. وارد علوم سیاسی شد، که حزب را به‌عنوان بخشی از سیستم سیاسی و اجتماعی می‌بیند. طبق این دیدگاه، احزاب داده‌ها و اطلاعات را از جامعه جمع‌آوری می‌کنند و پس از تحلیل و دسته‌بندی، آن‌ها را به نهادهای تصمیم‌گیری (مانند دولت و پارلمان) ارائه می‌دهند. این فرایند شامل درون‌دادها (اطلاعات و خواسته‌ها) و برون‌دادها (تصمیم‌ها و موضع‌گیری‌ها) است. بازخورد نیز به معنای بازگشت یافته‌ها به حزب برای تحلیل مجدد است (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۳)؛ بدین جهت، حزب در یک جامعه و نظام سیاسی کارکردهای مختلفی دارد، که به برخی از مهم‌ترین آن اشاره می‌شود:

- زمینه‌سازی مشارکت سیاسی؛ احزاب به‌عنوان نهادهای قانونی، بستر مشارکت سیاسی مردم را فراهم می‌کنند؛

- گزینش و معرفی نامزدهای انتخاباتی؛ احزاب می‌توانند نامزدهای انتخاباتی را برای کسب قدرت انتخاب کنند؛

- استخدام سیاسی و اعمال فشار؛ احزاب به‌عنوان ابزاری برای فشار از پایین به بالا عمل می‌کنند؛

- تشکیل ائتلاف‌ها؛ احزاب فرصت‌هایی برای ائتلاف میان صاحبان منافع سیاسی فراهم می‌آورند؛

- نقش بسیج‌کننده؛ احزاب می‌توانند مردم را در پروژه‌های ملی بسیج کنند (کلابو اسمیت، ۱۳۸۰: ۳۰۶-۳۰۵)؛

- آگاهی بخشی؛ احزاب به مردم در مورد جریان‌ات سیاسی و اجتماعی آگاهی می‌دهند؛
 - حفظ ثبات سیاسی؛ احزاب به‌عنوان نهادهای ضروری برای حفظ ثبات سیاسی شناخته می‌شوند. هانتینگتون بر اهمیت نهادینه‌گی در کارآمدی نظام سیاسی تأکید می‌کند و معتقد است که جذب نیروهای جدید اجتماعی برای مشارکت سیاسی ضروری است (بدیع، ۱۳۷۹: ۹۴-۱۰۰)؛
 - نظارت بر حکومت؛ احزاب با انتقاد از حکومت، نظارت بر انحرافات آن از معیارها و منافع ملی را انجام می‌دهند؛

- بهبود تصمیم‌گیری؛ احزاب با افزایش مشارکت سیاسی و تضارب آراء، دقت تصمیم‌گیری‌های سیاسی را بالا می‌برند؛

- سازمان‌دهی گرایش‌های سیاسی؛ احزاب به تقسیم و متشکل ساختن مردم به گروه‌ها و هم‌چنین نزدیکی و تلفیق خرده‌گرایش‌های فردی و اجتماعی در جامعه کمک می‌کنند. این کارکردها نشان‌دهنده اهمیت احزاب در ایجاد و حفظ یک نظام سیاسی پایدار و مشارکتی جوامع است.

۶. سازوکارهای احزاب در تحول و تغییر اجتماعی

براساس صریح آیات قرآن کریم، انسان موظف است تا به میزان توان خود در اصلاح فردی و اجتماعی تلاش کند. قرآن کریم در آیه ۸۸ سوره هود می‌فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمُ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ / گفت: ای قوم من، چه می‌گویید اگر با من از جانب پروردگارم حجتی باشد و او مرا رزقی نیکو عطا کرده باشد؛ اگر شما را نهی می‌کنم برای آن نیست که خود سودی ببرم، تا آن‌جا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردن تان ندارم. توفیق من تنها با خداست. به او توکل کرده‌ام و به درگاه او روی می‌آورم»؛ هم‌چنین، در آیه ۱۶۸ سوره بقره اشاره شده است که انسان‌ها باید از مسیرهای نادرست دوری کنند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ / ای مردم، از آن چیزهای حلال و پاکیزه، که در زمین است بخورید و از راه شیطان پیروی نکنید، که دشمن آشکار شماست». با توجه به مسؤولیت انسان‌ها در اصلاح خود و جامعه، این اصلاح می‌تواند به صورت فردی یا گروهی و از طریق نهادهای مردمی و سازمان‌یافته انجام شود؛ بنابراین، در این بخش به بررسی فرایند و سازوکارهای احزاب در تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازیم:

۶-۱. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از سازوکارهای کلیدی احزاب سیاسی در جامعه است، که زمینه‌ساز فعالیت‌های داوطلبانه افراد برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی و تصمیم‌گیری‌های حکومتی می‌باشد؛ به عبارتی، مشارکت سیاسی به فعالیت‌های شهروندان عادی برای شکل‌دهی به سیاست‌های عمومی و انتخاب رهبران سیاسی اطلاق می‌شود (آبراکراسی و دیگران، ۱۳۷۰: ۶۸۲). در این راستا، مشارکت سیاسی در اندیشه‌های دینی به عنوان یک وظیفه و تکلیف دینی مطرح می‌شود؛ درحالی‌که در اندیشه لیبرال، آن را به عنوان حق شهروندان تلقی می‌کنند. به‌ترین نوع مشارکت، مشارکت سازمان‌یافته از طریق احزاب سیاسی است، که برخی ابعاد آن عبارت‌اند از:

- مشارکت و مشورت‌دهی در امور حکومتی و قانون‌گذاری؛ قرآن کریم بر اهمیت مشورت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تأکید دارد؛ به طوری که در آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بُيِّنَهُمْ/ و کارشان را به مشورت یک‌دیگر انجام می‌دهند» (شوری: ۳۸) و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ/ و در کارها با آنان مشورت کن» (آل عمران: ۱۵۹)، به نقش مشورتی مردم در امور حکومتی اشاره می‌کند که در آیه نخست مخاطب مردم هستند که در امور و سرنوشت خود مشورت نمایند، که یکی از ویژه‌گی‌های برجسته مؤمنان بیان شده است. در آیه دوم، به پیام‌بر اکرم (ص) دستور می‌دهد که به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی با مؤمنان در امور حکومتی و اجتماعی، مشورت نماید، که در واقع بر نقش مشورتی مردم در امور حکومتی و اجتماعی تأکید دارد؛

- مشارکت در انتخابات؛ انتخابات یکی از راه‌های اصلی مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی است. احزاب با سازمان‌دهی اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی، از پراکنده‌گی آرا جلوگیری کرده و قدرت نماینده‌گی منتخبان را افزایش می‌دهند. انتخابات حزبی به دلیل معقول‌تر بودن تعداد نامزدها و افزایش قدرت نماینده‌گی، بر انتخابات بدون حزب برتری دارد (رضایی، ۱۳۸۵: ۲۰۳ - ۲۰۱)؛

- مشارکت در امور عمومی جامعه؛ احزاب سیاسی در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، نقش فعالی در امور عمومی جامعه دارند. این احزاب باید به‌جای تمرکز بر موفقیت محدود خود، به تعالی سیاسی جامعه و کیفیت اجرای فرایندهای سیاسی توجه کنند. از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش صحیح، احزاب می‌توانند مشارکت سیاسی را به‌عنوان یک تکلیف و حق‌گرایی در جامعه ترویج دهند و به توسعه سیاسی در سطوح فردی و اجتماعی کمک کنند. در واقع، مشارکت سیاسی نه تنها به تقویت نهادهای حکومتی کمک می‌کند، بل که به انسجام اجتماعی و تعالی سیاسی جامعه نیز می‌انجامد.

۶-۲. ایجاد تعامل بین دولت و ملت

یکی دیگر از نقش‌های اساسی احزاب سیاسی ایجاد ارتباط و تعامل دوسویه میان نهاد دولت، گروه‌ها و افراد جامعه است. احزاب به‌عنوان نهادهای سازمان‌یافته می‌توانند به‌عنوان واسطه‌یی عمل کنند، که صدای ملت را به دولت و صدای دولت را به ملت منتقل می‌کنند. این تعامل موجب پیوند مستحکم‌تری بین مردم و حکومت و در نتیجه تقویت هم‌بسته‌گی ملی می‌شود. در واقع احزاب سیاسی به‌عنوان قدرت نرم جامعه عمل کرده و به ترمیم و تقویت ساختار اجتماعی کمک می‌کنند. برای کارآمدی این فرایند، اعضای احزاب باید نسبت به نقش و اهداف فعالیت‌های حزبی آگاهی داشته باشند و هم‌واره مصالح و امنیت ملی را در اولویت قرار دهند، نه این که منافع حزبی را بر مصالح ملی

ترجیح دهند (پیرداده، ۱۳۷۶: ۵)؛ چون هرچه یک‌پارچه‌گی بین دولت و ملت بیش‌تر باشد، امنیت و ثبات کشور نیز افزایش می‌یابد؛ در مقابل، بحران یک‌پارچه‌گی می‌تواند به کشمکش‌های محلی و ناامنی دایمی منجر شود، که این وضعیت به ضرر هر دو طرف خواهد بود (آزر و مون، ۱۳۷۹: ۱۳۰-۱۲۱)، که باوجود احزاب قانون‌مند سیاسی در جامعه این امر جبران می‌شود.

۳-۶. جامعه‌پذیری و اصلاح‌هنجارهای سیاسی

یکی از سازوکارهای اساسی احزاب سیاسی در جامعه، تغییر و تحول اجتماعی است، که از طریق راه‌بردهای آموزشی و فرهنگی، در قالب‌های مختلف تبلیغاتی و برنامه‌های کاربردی به فرایند جامعه‌پذیری و اصلاح‌هنجارهای سیاسی کمک می‌کنند. جامعه‌پذیری سیاسی تحت تأثیر عوامل متعددی نظیر نظام خانواده، نظام فرهنگی، نظام آموزش و پرورش عالی، رسانه‌ها و محیط کار قرار دارد؛ بااین‌حال، ارتباط مستقیم با نخبه‌گان نظام سیاسی، نیروی مؤثری در شکل‌گیری جامعه‌پذیری سیاسی به شمار می‌آید. احزاب سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین عامل در این فرایند، از طریق تبلیغات سیاسی، فعالیت‌های انتخاباتی و ارائه نظریه‌های سیاسی به‌صورت شفاهی یا کتبی، نقش مستقیم و مؤثری در جامعه‌پذیری سیاسی ایفا می‌کنند. این احزاب با تحلیل و توصیف ساده و قابل‌فهم مسائل و چالش‌های سیاسی، اطلاعات لازم را در اختیار عموم قرار می‌دهند. اولویت‌بندی مسائل، برنامه‌ها و اطلاع‌رسانی به‌موقع، نقش حیاتی در شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی دارند. در دنیای امروز، احزاب در نظام‌های سیاسی مدرن، به‌سازمان‌دهی برنامه‌ها و تعلیمات سیاسی پرداخته و تاریخ ملى را آموزش می‌دهند، اهداف کلان اقتصادی و بین‌المللی حکومت را تبیین می‌کنند. این فعالیت‌ها به‌طور مستقیم به جامعه‌پذیری سیاسی و اصلاح جامعه کمک می‌کند (حسینی، ۱۳۷۸: ۹۷-۹۹).

۴-۶. ایجاد هم‌بسته‌گی و تحکیم وحدت ملى

یکی از نقش‌های برجسته احزاب سیاسی، ایجاد هم‌بسته‌گی و تحکیم وحدت ملى است، که احزاب، به‌ویژه آن‌هایی که از مقبولیت مردمی برخوردارند و برنامه‌های کلانی در راستای منافع ملى دارند، نقش مهمی در ایجاد هم‌بسته‌گی و تحکیم وحدت ملى ایفا می‌کنند. هم‌بسته‌گی به معنای هم‌کاری و تلاش مشترک افراد جامعه، چه در سطح ملى و چه بین‌المللی، برای بهبود زنده‌گی و مقاومت در برابر ستم و تجاوز دیگران است.

نقش احزاب در ایجاد هم‌بسته‌گی ملى شامل موارد زیر است:

- توجه به تهدیدات خارجی؛ احزاب باید به دشمنی‌های خارجی و مشکلات ناشی از آن توجه

داشته باشند و تنها به مسائل داخلی محدود نشوند؛

- هم‌کاری برای کاهش اختلافات داخلی؛ احزاب می‌توانند در کنار گذاشتن اختلافات داخلی و مدیریت صحیح منازعات نقش داشته باشند. با این نقش احزاب سیاسی نیز در دو بُعد بعد می‌توانند در مدیریت منازعه‌های سیاسی دخالت نموده و اختلاف منافع میان افراد و گروه‌های قدرت مختلف را در مسیر مسالمت‌آمیزی هدایت کنند: ۱. مدیریت منازعات درون‌حزبی؛ تلاش برای حل اختلافات درون‌حزبی به‌منظور تقویت وحدت؛ ۲. مدیریت منازعات برون‌حزبی؛ کمک به مدیریت منازعات سیاسی در سطح کل سیستم و ایجاد هم‌یاری بین رهبران سیاسی.

در حقیقت احزاب سیاسی با ایفای این نقش می‌توانند به تقویت هم‌بستگی و وحدت ملی در جهت اصلاح جامعه و تغییر آن کمک کنند.

۶-۵. کاهش تعارضات و نزاع‌های قومی و قبیله‌وی

کاهش تعارضات و نزاع‌های قومی و قبیله‌وی، یکی از وظایف مهم احزاب در جوامع توسعه‌نیافته است؛ به شرط آن‌که این احزاب فراقومی و قانون‌مدار باشند. تعارضات گروهی در جوامع چندقومی و مذهبی معمولاً به مشکلات جدی تبدیل می‌شوند. احزاب می‌توانند با جذب گروه‌های مختلف و تعدیل خواسته‌های محلی به خواسته‌های ملی، به کاهش این تعارضات کمک کنند. اگر احزاب به‌عنوان واسطه‌یی میان شهروندان و دولت عمل کنند، می‌توانند به ایجاد یک ادغام ملی با تنوع مراکز قدرت و جریان‌های فکری کمک کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۱)؛ به‌این ترتیب، احزاب می‌توانند زمینه‌ساز مشارکت گروه‌های قومی و حفظ ثبات ملی شوند و تمایلات جدایی‌طلبانه را به هم‌بستگی ملی تبدیل کنند، که این خود یکی از کارکردهای مهم احزاب سیاسی در جوامع چندقومی است.

۷. چالش‌های احزاب سیاسی

باتوجه به‌ضرورت و کارکردهای مهم احزاب سیاسی در جامعه، گاهی با چالش‌های مختلف در تحقق تغییر اجتماعی مواجه می‌شوند، که مانع از رسیدن به اهداف آن در جامعه می‌شود، که در چنین حالت نیز قرآن راه‌کار ارائه نموده است. این چالش‌ها به دو دسته کلی، داخلی و خارجی قابل تقسیم‌بندی‌اند:

۷-۱. چالش‌های داخلی

- اختلافات داخلی؛ اختلافات ایدئولوژیک و شخصی میان اعضای حزب می‌تواند به تضعیف وحدت در جامعه منجر شود، که خود یک تهدید چالش‌برانگیز در احزاب محسوب می‌شود. قرآن کریم برای این امر نیز راه‌کار ارائه نمود است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و همه‌گی به ریسمان خدا

چنگ زنید، و پراکنده نشوید» (آل عمران: ۱۰۳). وحدت یکی از راه کارهای اساسی عبور این چالش است؛

- فقدان رهبری قوی؛ احزاب سیاسی بدون رهبری مؤثر در دستیابی به اهداف خود با چالش‌های جدی در جامعه مواجه می‌شوند، که راه کار آن نیز انتخاب رهبری مدبر و قوی است؛ هم‌چنین که قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۲۵۳ می‌فرماید: «اللَّهُ يَجْتَبِي مَنْ يَشَاءُ/ خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به‌سوی او بازگردد، هدایت می‌کند»، این آیه در حقیقت نشان‌دهنده اهمیت رهبری و انتخاب رهبر الهی در هدایت جامعه است؛ چون رهبری صحیح می‌تواند به تغییرات اجتماعی مثبت منجر شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۲۳)، که جامعه را به‌سوی پیش‌رفت و کمال هدایت نماید؛

- عدم شفافیت و پاسخ‌گویی؛ احزاب سیاسی که در فعالیت‌های خود شفافیت ندارند و به اعضای خود پاسخ‌گو نیستند، معمولاً با عدم اعتماد عمومی مواجه می‌شوند، که این امر خود به کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی منجر شود؛ لذا احزاب باید به دنبال ایجاد سازوکارهایی باشند که شفافیت و پاسخ‌گویی را در فعالیت‌های خود تضمین کنند.

۷-۲. چالش‌های خارجی

- فشارهای سیاسی و اقتصادی؛ احزاب با فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی دولت‌ها یا نهادهای خارجی، در برخی یا بیش‌تر کشورهای ضعیف مواجه هستند، که باید دنبال راه کار صحیح باشند؛

- دخالت خارجی؛ دخالت‌های خارجی می‌تواند به تضعیف انسجام داخلی احزاب منجر شود. هم‌چنین که قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۲۱۱ می‌فرماید: «سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ/ از بنی اسرائیل بپرس که ایشان را چه آیات روشنی دادیم» که به تأثیرات منفی دخالت‌های خارجی در جوامع تأکید دارد (سید قطب، ۱۴۱۳ ق: ۲/ ۲۲۰).

- تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی؛ رسانه‌ها می‌توانند به چالش‌هایی برای احزاب تبدیل شوند. قرآن کریم نیز در آیه ۱۲ سوره الحجرات، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ/ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان بپرهیزید»، که بر اهمیت صداقت و عدم انتشار اخبار نادرست تأکید دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۰/ ۲۵۰؛ سید قطب، ۱۴۱۳ ق: ۲۲۰). هرچند این چالش‌ها بر سر راه احزاب سیاسی وجود دارد، اما می‌تواند احزاب سیاسی قانون‌مند از این موانع و چالش با تدبیر و راه کارهای قرآنی و اساسی دیگر عبور نماید و در جهت تغییر، پیش‌رفت و اصلاح جامعه حرکت نماید.

۸. مناقشه

در عرصه سیاسی، احزاب هم‌واره به‌عنوان نهادهای مؤثر در سازوکار قدرت و تصمیم‌گیری اجتماعی شناخته می‌شوند، که در سال‌های اخیر، توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب نموده است و تحقیقات متعددی نیز صورت گرفته است، که بیش‌تر نیز به بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی احزاب پرداخته و تمرکز آن‌ها بر تصاحب قدرت و مدیریت سیاسی بوده است؛ اما در این پژوهش، به تحلیل نقش احزاب سیاسی در تغییر اجتماعی از منظر قرآن کریم پرداخته شد و بر این نکته تأکید گردید که تحول اجتماعی باید در چهارچوب انسان‌شناسی و آموزه‌های دینی موردبررسی قرار گیرد. از منظر قرآن کریم، تغییرات اجتماعی به‌طور مستقیم به تغییرات فردی بسته‌گی دارد. آیات قرآن کریم بر این نکته تأکید دارند که تحول نخست باید در درون انسان‌ها صورت گیرد و سپس به جامعه تسری یابد؛ به‌عبارت دیگر، اگر افراد صالح و خودساخته در جامعه مسؤولیت‌های اجتماعی را بر عهده گیرند، می‌توانند در جهت اصلاح و پیش‌رفت جامعه حرکت کنند. بدین لحاظ احزاب سیاسی قانونی و دارای رهبری صالح نیز می‌توانند به‌عنوان نهادهایی مؤثر در ایجاد تحولات اجتماعی مثبت عمل نمایند. این احزاب با تأکید بر اصول قانونی و اخلاقی می‌توانند به مدیریت بحران‌ها، کاهش گسست‌های ملی و تقویت هم‌بستگی اجتماعی در جوامع چندقومی و فرهنگی کمک کنند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که وجود احزاب سیاسی قانونی، امری اجتناب‌ناپذیر است و آن‌ها می‌توانند به‌عنوان ارکان مؤثر در تحول و تغییر اجتماعی و قانون‌مداری جامعه ایفای نقش کنند؛ لذا ضرورت دارد که جوامع اسلامی براساس معیارهای دینی و اخلاقی، احزاب قانونی و فراقومی و مذهبی را نهادینه کنند. این امر می‌تواند به مشارکت قانون‌مند مردم در امور حکومتی و پایداری توسعه اجتماعی کمک کند؛ بنابراین، تأسیس و تقویت احزاب سیاسی با روی‌کردی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم، می‌تواند به اصلاح امور سیاسی و اجتماعی و بهبود شرایط زنده‌گی در جوامع اسلامی منجر شود.

۹. نتیجه‌گیری

براساس تحلیل‌های ارائه‌شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد، که احزاب سیاسی قانون‌مند به‌عنوان ارکان اساسی در جوامع امروزی، ضروری و برای پیش‌رفت، اصلاح و انسجام جامعه امری حیاتی می‌باشند. در متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، مفهوم حزب به گروه‌هایی اطلاق می‌شود، که در مقابل یک‌دیگر موضع‌گیری می‌کنند؛ مانند حزب‌الله و حزب شیطان، که نمایان‌گر پیروان حق و باطل هستند؛ به‌عبارت‌دیگر، پیروان پیام‌بر اکرم (ص) و مخالفان ایشان، که هر یک نیز نقش خاص خود را در جامعه ایفا می‌کنند؛ لذا احزاب سیاسی قانون‌مند در جامعه عمل‌کردهای متنوعی در ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند، که از جمله آن‌ها می‌توان به آگاهی‌بخشی، بسیج مردمی، مشارکت در امور

سیاسی، تشکیل ائتلاف‌ها، حفظ ثبات سیاسی، نظارت بر حکومت و بهبود تصمیم‌گیری اشاره کرد. احزاب با این عمل کردها قادر اند تحولات بنیادینی را در جامعه ایجاد کنند و زمینه‌ساز تعامل مؤثر بین دولت و ملت، هم‌بستگی ملی، جامعه‌پذیری و اصلاح هنجارهای سیاسی شوند، که در نهایت می‌توانند به کاهش تعارضات قومی و قبیله‌وی و بهبود شرایط اجتماعی و پایداری حکومت کمک نمایند؛ با این حال، نیز ممکن است احزاب سیاسی با چالش‌های متعددی داخلی و خارجی مواجه شوند، که مانع از دستیابی به اهداف عالی و عمل کرد مثبت آن‌ها گردد، که می‌توانند با تدبیر و راه کارهای قرآنی و اساسی از آن چالش‌ها عبور نمایند و در جهت تغییر، پیش‌رفت و اصلاح جامعه فعالیت نمایند. بدین جهت می‌توان گفت که احزاب سیاسی قانونی با ایفای نقش‌های متنوع خود می‌توانند به‌عنوان ارکان مؤثر در اصلاح و تغییر مثبت اجتماعی و پیش‌برد قانون‌مداری و توسعه پایدار در جوامع امروزی عمل کنند؛ لذا برای تحقق این اهداف، شناسایی و مدیریت چالش‌های موجود امری ضروری است تا احزاب بتوانند به‌گونه مؤثری به بهبود شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه کمک نمایند.

ORCID

Mohammad Ali Ahmadi



<https://orcid.org/0009-0009-4404-050X>

ارجاع به این مقاله (APA):

احمدی، محمدعلی. (۱۴۰۴). «نقش احزاب سیاسی در تغییر اجتماعی از منظر قرآن کریم». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۱). ۱-۲۲. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.1>

To Cite this Article (APA):

Ahmadi, Mohammad Ali. (2025). "The Role of Political Parties in Social Change from the Perspective of the Holy Quran". *Ghalib Journal*. 14(1). 1-22. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.1>

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. آبراکراسی، نیکلاس و دیگران. (۱۳۷۰). *فرهنگ جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن پویان. تهران: نشر چاپخش.
۳. آزر، ادوارد آی؛ چونگ، این مون. (۱۳۷۹). *امنیت در جهان سوم*. ترجمه پژوهش‌کده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.
۴. آقابخشی، علی. (۱۳۷۴). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۴۱ق.) **لسان العرب**. ج سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
۶. اتحادیه، منصوره. (۱۳۶۱). **مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران**. تهران: نشر تاریخ ایران.
۷. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۸). «**احزاب، ثبات سیاسی و امنیت**». فصل‌نامه مطالعات راهبردی. ۲(۴): ۹۹-۱۲۶. https://quarterly.risstudies.org/article_1320.html
۸. بدیع، برتران. (۱۳۷۹). **توسعه سیاسی**. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: نشر قومس.
۹. پیرداده، محسن. (۲۶/۱۱/۱۳۷۶). «**فعالیت احزاب بستر رشد سیاسی**». تهران: روزنامه ایران.
۱۰. پیشه‌وری، احمد. (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی سیاسی**. اهواز: دانش‌گاه آزاد اسلامی.
۱۱. حسینی، حسین. (۱۳۷۸). **حزب و توسعه سیاسی**. تهران: نشر امن.
۱۲. رابرتسون، دیوید. (۱۳۷۵). **فرهنگ سیاسی معاصر**. ترجمه عزیز کیاوند. تهران: نشر البرز.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). **مفردات الفاظ القرآن**. بیروت: دار القلم.
۱۴. سید قطب، ابراهیم حسین شازلی. (۱۴۱۳ق.). **العدالة الاجتماعية في الإسلام**. القاهرة: دارالشروق.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چ پنجم. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۷). **بنیادهای علم سیاست**. تهران: نشر نی.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). **مفاتیح‌الغیب**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). **کتاب العین**. چ دوم. قم: نشر هجرت.
۱۹. کلایو اسمیت، برایان. (۱۳۸۰). **فهم سیاست جهان سوم**. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و محمد سعید قانئی نجفی. تهران: وزارت امور خارجه.
۲۰. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق.). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. چ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۱. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق.). **التفسیر الکاشف**. قم: دار الکتب الإسلامی.
۲۲. منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۳). **استفتائات**. تهران: نشر تفکر.

۲۳. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۷۸). *حزب سیاسی و عمل‌کرد آن در جوامع*. تهران: انتشارات دادگستر.

۲۴. واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۱ ق.). *اسباب النزول*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

References

1. The Holy Quran.
2. Abercrombie, Nicholas, et al. (1991). *The Penguin Dictionary of Sociology*. Translated by Hassan Pouyan. Tehran: Chapakhsh Publications.[In Persian]
3. Azar, Edward E., & Chung, In Moon. (2000). *Security in the Third World*. Translated by Strategic Studies Research Center. Tehran: Strategic Studies Research Center.[In Persian]
4. Aghabakhshi, Ali. (1995). *Dictionary of Political Science*. Tehran: Iranian Scientific Information and Documentation Center.[In Persian]
5. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (2020 CE/1441 AH). *Lisan al-Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Fikr Publishing and Distribution.[In Arabic]
6. Etehadieh, Mansoureh. (1982). *Manifestos and Regulations of Iranian Political Parties*. Tehran: Tarikh-e Iran Publications.[In Persian]
7. Akhavan Kazemi, Bahram. (1999). "Parties, Political Stability, and Security." *Strategic Studies Quarterly*, 2(4), 99–126. Retrieved from https://quarterly.risstudies.org/article_1320.html. [In Persian]
8. Badie, Bertrand. (2000). *Political Development*. Translated by Ahmad Naqibzadeh. Tehran: Qoqnu Publications.[In Persian]
9. Pirdadeh, Mohsen. (February 15, 1998). "Party Activities as a Platform for Political Growth." Tehran: *Iran Newspaper*. [In Persian]
10. Pischevari, Ahmad. (1997). *Political Sociology*. Ahvaz: Islamic Azad University.[In Persian]
11. Hosseini, Hossein. (1999). *Parties and Political Development*. Tehran: Amn Publications.[In Persian]
12. Robertson, David. (1996). *The Concise Dictionary of Politics*. Translated by Aziz Kiawand. Tehran: Alborz Publications.[In Persian]
13. Raghīb al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad. (1991 CE/1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam.[In Arabic]
14. Qutb, Sayyid. (1992 CE/1413 AH). *Social Justice in Islam*. Cairo: Dar al-Shorouk. [In Arabic]
15. Tabatabai, Muhammad Hussein. (1995). *Al-Mizan fi Tafsiir al-Quran* (5th ed.). Translated by Mohammad Baqir Mousavi. Qom: Islamic Seminary Teachers Society, Islamic Publications Office.[In Persian]
16. Alam, Abdulrahman. (2008). *Foundations of Political Science*. Tehran: Ney Publications.[In Persian]
17. Fakhr al-Din al-Razi, Muhammad ibn Umar. (1999 CE/1420 AH). *Mafatih al-Ghayb*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.[In Arabic]
18. Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1988 CE/1409 AH). *Kitab al-Ayn* (2nd ed.). Qom: Hijrat Publications.[In Arabic]

19. Clive Smith, Brian. (2001). *Understanding Third World Politics*. Translated by Amir Mohammad Haji Yousefi and Mohammad Saeed Qaeni Najafi. Tehran: Ministry of Foreign Affairs.[In Persian]
 20. Mostafavi, Hassan. (2009 CE/1430 AH). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.[In Arabic]
 21. Mughniyah, Muhammad Jawad. (2003 CE/1424 AH). *Al-Tafsir al-Kashif*. Qom: Islamic Book Publishing House.[In Persian]
 22. Montazeri, Hossein-Ali. (1994). *Istifta'at* (Fatwas). Tehran: Tafakkur Publications. [In Persian]
 23. Naqibzadeh, Ahmad. (1999). *Political Parties and Their Function in Societies*. Tehran: Dadgostar Publications.[In Persian]
 24. Wahidi, Ali ibn Ahmad. (1990 CE/1411 AH). *Asbab al-Nuzul*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.[In Arabic]
-
-